

بررسی تاریخ های برخی از حوادث در تاریخ جهانگشای جوینی و مقایسه آن با تاریخ های دیگر

مختار ابراهیمی^۱، پگاه تلاوری^۲

^۱ استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی شهید چمران اهواز

چکیده

قرن هفتم و هشتم خونبارترین روزگاری است که بر ایران و ایرانی گذشته است. در باب چگونگی رخداد وقایع تاریخ مغول، تاریخ نویسان بسیاری به نگارش تواریخ متعدد پرداخته اند. در این میان کتاب تاریخ جهانگشای جوینی که در زمان حمله مغولان و سیطره آنان بر ایران نوشته شده، به عنوان کامل ترین و شیواترین اثر در میان کتب دیگر مورخان شناخته شده است. به غیر از موثق بودن اطلاعات ذکر شده در این کتاب، جوینی به بیان برخی از تواریخ رخداد حوادث این برهه ی زمانی نیز پرداخته است. البته قابل ذکر است که سالشمار تمام وقایع در تاریخ جهانگشا نیامده است. این پژوهش به ذکر تواریخ عنوان نشده در تاریخ جهانگشا می پردازد و سپس با مطالعه ی کتب تاریخی مورخان ایرانی و خارجی دیگر به بررسی برخی تناقض های تاریخی در میان تواریخ این دوره خواهد پرداخت.

واژه های کلیدی: تاریخ جهانگشا، سال شمار تاریخی، مغول، تناقض های تاریخی.

مقدمه

حمله مغولان به ایران در اثر بی کفایتی و اشتباه سلطان محمد خوارزمشاه رخ داد؛ زیرا ملوک ختا را سرنگون کرد و ایران همسایه مغولان شد. در این میان توطیه های الناصر لدین خلیفه، خلیفه بغداد که از محمد خوارزمشاه خوفی در دل داشته است و بر خلاف او چنگیزخان را تحریک می کرده است، بی اثر نبوده است. پس از واقعه قتل عام تاجران مغولی توسط حاکم اترار، ایران محل تاخت و تاز سیل خروشان سپاه وحشی تاتار گشت. (بهار، ۱۳۸۱: ۱۳). حمله بی امان این صحرانشینان که برای همسایگان نشان ناشناخته بودند، در سرعت، غارت و ویرانگری و کشتار بی حد و غایت و درنده خویی پیش از آنکه به انسان شبیه باشند مانند نیروهای وحشی طبیعت، افسار گسیخته و عنان دریده بودند. (براون، ۱۳۵۱: ۱۱۵).

مغولان در طی مدت کوتاهی، شش میلیون نفر از مسلمانان ایران را قتل عام کردند. از زمان حمله چنگیزخان به ایران با در نظر گرفتن حاکمیت طوایفی مغولان پس از نابودی حکومت ایلخانی مرکزی دو قرن بر این سرزمین حکومت کردند. (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴۸۹). بر اثر طوفان حمله این اقوام وحشی، بیشتر شهرهای ایران ویران گردید و اهالی آن در آتش خشم و کینه مغولان سوختند. مراکز علم و ادب به کلی تباہ شد، کتابخانه ها از بین رفتند و دانشمندان و فاضلان را مثل گوسفند سر بریدند. (قزوینی، ۱۳۲۹: ۱). چیرگی این قوم بیابانی بر مردم ایران و از بین رفتن طبقه متمدن و عالم این دوره، باعث ایجاد زوال عقلی و فکری مردم ایران گشت. اندک اندک آداب و رسوم آمیخته به خرافات مغولان بر فرهنگ مردم ایران تاثیر گذاشت و آداب و رسوم عمومی ایرانیان به فراموشی سپرده شد. در این میان گسترش فقر جامعه ی گسترده ای از مردم و به قدرت رسیدن حاکمان نوکیسه و بی تجربه بر هرج و مرج اجتماعی در ایران افزود. (صفا، ۱۳۸۲: ۷۷-۸۳).

۱- تاثیر حمله ی مغول بر ادبیات ایران و رواج تاریخ نگاری

نابسامانی ها و آشفتگی های اجتماعی بر ادبیات ملتها تاثیر فراوانی دارد. برخی از منتقدان در نقل آثار ادبی شرایط اجتماعی را موثر می دانند. اندیشه ها، اعتقادات، سلیقه ها و ذوق ها پیرو احوال اجتماعی است و ادبیات جامعه در طی تحول و دگرگونی خویش بر یکدیگر اثری متقابل دارند. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۷۳) بنابراین ادبیات، آیینه ی تمام نمای زندگی در هر دوره ای از تاریخ است. (اسکارپیت، ۱۳۸۷: ۴۵۵) بنابراین به روشنی دیده شده است که هر جا که اجتماع به دلیل فشارهای خارجی و جنگ، آسیب ببیند، زخمی عمیق بر پیکر ادبیات وارد می گردد، اما اگر ادبیاتی بی هیچ خدشه ای به مسیر خود ادامه دهد، این نکته استنتاج می گردد که زمینه ی اجتماعی بالندگی هنر و ادب بی صدمه مانده است. در حالیکه در اغلب موارد هجوم ها و فتنه ها بر اثر آلوده کردن محیط جامعه بر احوال هنر و ادب تاثیر منفی می گذارند. (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۲)

باید به این نکته اشاره داشت که در کمتر دوره ای به اندازه عهد مغول می توان این اثر بخشی را در آثار صاحبان قلم یافت. (وحید، ۱۳۸۸: ۲۱۲) آنان حقایق ناب را که به چشم خویش نظاره گر بودند، با کلام نافذ خود بیان می کردند و آثار آنها انعکاس کاملی از بغض های اجتماعی آن دوره است. (صفا، ۱۳۸۲: ۸۷-۸۸)

در اوایل عهد مغول فترتی در نظم و ادب ایران زمین حاصل شد؛ زیرا این قوم بدوی که جز جنگجویی و خشونت هیچ نمی دانستند، توان درک و انس با ادبیات غنی فارسی که سراسر اخلاق و نوع دوستی بود را نداشتند. با وجود این شرایط نابسامان رکودی در جریان نظم و نثر فارسی پدید آمد. به ویژه در نثر فارسی که تا یک قرن پس از حمله مغول، هنوز سبک قرن ششم بر آن سیطره داشت. در نثر، خداوندان قلم و اندیشه، به شیوه بهاءالدین جرفاذقانی و محمد نسوی به نگارش آثارشان ادامه می دادند و همگی مقلد نویسندگان قرن ششم بودند. در دوره مغول نه تنها ایران بلکه جهان اسلام در هیچ روزگاری بیشتر و نیک تر از این زمان به فن تاریخ نویسی نپرداخته اند. برخی از نویسندگان بازتاب روشنی از وقایع مصیبت بار عهد خویش بیان کرده اند. از جمله مهم ترین تواریخی که در این دوره نوشته شده می توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱- تاریخ جهانگشای جوینی تألیف سال ۶۵۸ ه.ق
۲- نظام التواریخ، تألیف ناصرالدین ابی سعید عبدالله بن علی بیضاوی در سال ۶۷۴ ه.ق
۳- جامع التواریخ، تألیف خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر غازان در سال ۷۱۰ ه.ق
۴- تاریخ گزیده، تألیف محمدبن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی در سال ۷۳۰ ه.ق
۵- تجزیة الامصار و تزجیه الاعصار معروف به تاریخ و صاف، تألیف عبدالله بن فضل الله شیرازی در سال ۷۳۸ ه.ق
با این حال جز تاریخ جهانگشای جوینی و تاریخ و صاف کتابهای دیگر از سادگی و ضعف بلاغی برخوردارند و می توان دلیل آن را از رونق افتادن فضل و ادب و عریان بودن بزرگان از علوم ادبی دانست. (بهار، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۶)
اما پس از گذشت چندی ادبیات در حوزه ی نظم فارسی رونق فراوانی یافت و سخنورانی بزرگ مانند سعدی، مولوی، سیف الدین فرغانی، عراقی، خواجه کرمانی، سلمان ساوجی، عبیدزاکانی، حافظ و اوحدی مراغه ای پدید آمدند. (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۳۸۸) در میان آثار تاریخی دوره ی مغول به حتم تاریخ جهانگشای جوینی بارزترین مصداق یک اثر اصیل تاریخی ادبی است. عطاملک که مردی با بصیرت و صاحب ذوق بوده، توانسته مشاهدات و دانسته های خود را توسط اندیشه های رفیع و قلمی نغز و امین به آیندگان منتقل کند. پس از بیان این مطالب، به زندگی عطاملک جوینی و دلایل اهمیت تاریخ جهانگشا پرداخته می شود.

۲- نگاهی بر زندگی عطاملک جوینی و دلایل اهمیت تاریخ جهانگشا

عطاملک جوینی از خاندان بزرگ جوینی است. خاندان او در دوره ی چیرگی مغول بر ایران تا روزگار هولاگو عهده دار مشاغل حساس حکومتی بوده اند. او در سال ۶۲۳ ه.ق متولد شد. او تحت پرورش پدر فاضلش با کارهای دیوانی آشنا شد و دبیر خاص امیرارغوان گردید و در سفرهایی که با امیرارغوان به پایتخت مغولستان داشت، اطلاعات موثقی درباره ی چنگیز و جانشینانش به دست آورد و در تاریخ خود از آنان بهره جست. جوینی سرانجام در چهارم ذی الحجه ی سال ۶۸۱ در موقان وفات یافت و جسدش را در چرنداب تبریز دفن کردند. (صفا، ۱۳۶۶: ۱۱-۱۲۱).

این سخندان بلیغ با چیره زبانی و بیان شیوا و استعداد خدادادی که داشت، به آفرینش آثاری گرانقدر پرداخت که در تاریخ ادبیات ایران بی نظیر است. از آثار او می توان:

۱- تاریخ جهانگشای جوینی که برجسته ترین اثر اوست، در سه جلد نوشته شده است. جلد نخست تاریخ مغول است که درباره ی چنگیز خان، جنگها و حمله های او به ایران و جانشینان او تا مرگ گیوک خان، اطلاعات سودمندی بیان کرده است. جلد دوم تاریخ خوارزمشاهیان است که وی به بیان مطالبی درباره ی قراختاییان، گورخانیان و فرمانروایان مغول از اوکتای تا هولاگو پرداخته است. جلد سوم تاریخ اسماعیلیه است که در آن به بحث راجع به آمدن هولاگو به ایران و نابودی اسماعیلیه می پردازد. (ریپکا، ۱۳۶۴: ۱۴۷).

۲- رساله ای فارسی به نام تسلیه الاخوان که به شرح مشکلاتی که در سال ۶۸۰ توسط مجدالملک یزدی، بدخواه او برایش ایجاد شده بود و به حبس گرفتار گردیده می پردازد.

۳- جوینی رساله ی بی نام دیگری تألیف کرده است که به ذکر وقایع پس از تسلیه الاخوان تا وفات اباقا و بر تخت نشستن سلطان احمد تگودار و قتل مجدالملک یزدی پرداخته است. (صفا، ۱۳۶۶: ۱۲۱).

کتاب جهانگشای جوینی در سال تألیف طبقات ناصری نوشته شده، دوسون، جوینی را به سبب نثر آراسته ی کتابش به تملق برای مغولان متهم کرده است و او معتقد است که جوینی تمام حقیقت وقایع را عنوان نکرده و مراعات حال مغولان را کرده

است؛ اما نخستین منتقد تاریخ مغول، آبل رموزا این سرزنش را غیر منصفانه می‌داند. او می‌گوید شیوه‌ی بیان جوینی با بقیه مورخان ایرانی آن عهد تفاوتی ندارد و دیگر آنکه در آن روزگار مفهوم میهن، مانند امروز معنا نداشت. (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱۱۴).

باید گفت پاسخ دوم آبل رموزا، به مراتب از دوسون تندتر است؛ زیرا او به نوعی تمامی ایرانیان را بری از عشق به وطن می‌داند. به مقاومت‌های مردم خراسان و باقی شهرهای ایران و کشته شدن میلیون‌ها نفر در راه دفاع از کشور توجهی نداشته است. پس باید اقرار کنیم که جوینی منصفانه به شرح کاملی از وقایع تاریخ مغول پرداخته است. او هیچگاه نسبت به وضعیت ناسامان ایران و ظلم‌هایی که مغولان بر ایرانیان تحمیل داشتند بی‌اعتنا نبوده است. بارتولد اثر جوینی را به نسبت آثار رشیدالدین و وصاف الحضرة برتر می‌داند، زیرا او به سرزمین اویغوریان و مغولستان سفر کرده و تا حدی که منابع در اختیارش بوده، کوشیده تاریخ مغول را به نیکی شرح دهد؛ اما باید به این نکته اشاره شود که گفته‌ی بارتولد تنها دلیل برتری جوینی بر رشیدالدین و وصاف الحضرة نیست؛ زیرا با مطالعه دقیق این سه کتاب در می‌یابیم که برخی مباحث عنوان شده توسط جوینی آنقدر جامع است که آن دو تقریباً مطلب تازه‌ای برای نقل بعضی وقایع تاریخی مشترک ندارند و تنها با نثری متفاوت مطالب را تکرار کرده‌اند.

اما در این میان جوزجانی، صاحب کتاب طبقات ناصری با وجود پرداختن کلی به وقایع این دوره به مطالبی ناب اشاره کرده که در دیگر تواریخ به آن بر نمی‌خوریم. از این حیث کتاب کامل ابن اثیر هم قابل توجه است. البته در میان مورخان خارجی آثار نویسندگانی چون رنه گروسه، هارولد لمب، مری هال قابل توجه و مفید می‌باشند. از میان نویسندگان معاصر تاریخ مغول، کتاب‌های خانم شیرین بیانی از قوام و استواری ویژه‌ای برخوردار است و اطلاعات ارزشمندی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در نهایت باید گفت که تمام مورخان ایرانی و خارجی از کتاب تاریخ جهانگشای جوینی بهره‌ی فراوان برده‌اند و با مطالعه‌ی حجم قابل توجهی از کتب تاریخ مغول به ارزش واقعی اثر جوینی بیشتر پی می‌بریم.

آنچه از این اثر فاخر استنباط می‌شود آن است که جوینی تنها در پی نقل گزارش تاریخ نبوده، بلکه اراده‌ی خود را بر آفرینش اثر ادبی ماندگار قرار داده است. شیوه‌ی نگارش او بنا بر شیوه‌ی معمول آن زمان نثر فنی بوده و او به چگونگی بیان و لفظ پردازی عنایت ویژه‌ای داشته است. او در تاریخ جهانگشا از آرایه‌های موازنه، سجع، اشتقاق، تلمیح آیات از قرآن و حدیث، امثال عربی و فارسی، تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام، مراعات نظیر، اصطلاحات علمی و مترادفات لفظی بهره‌جسته است. از این نظر جوینی به عوفی شباهت دارد، زیرا گاهی عبارات سلیس و زیبا دارد و گاهی عبارات خشن و متکلفانه. او در استعمال لغات مغولی که بعدها در بقیه‌ی کتب تاریخی این دوره به کار برده شد پیشرو بوده است. (بهار، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۰).

۳- بررسی تناقض‌های سال‌های رخداد وقایع در تاریخ جهانگشا و کتب تاریخ مغول دیگر

چنانچه اشاره شد، همانگونه که جوینی به شرح وقایع گذشته بر مردم رنج‌دیده ایران در روزگار مغول پرداخته است و همانطور که هیچ تاریخی بدون ذکر سالشمار کامل نمی‌گردد، او هم بسان دیگر تاریخ‌نویسان به این امر اهتمام ورزیده است؛ اما این مسأله دغدغه‌ی او نبوده زیرا به بیان برخی سال‌های وقوع حوادث تاریخی نپرداخته است و ما از طریق مطالعه‌ی کتب تاریخی مورخان دیگر ایرانی و خارجی و احتساب دقیق زمان‌ها از طریق مطالب بیان شده، به تاریخی متقن دست می‌یابیم. در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی که توسط آقایان دکتر حبیب‌الله عباسی و ایرج مهرکی تصحیح شده است، به جای سال تشکیل قوربیلنای دوم اوکتای نقطه چین آمده است و این دو بزرگوار در تعلیقات کتاب به گفته‌ی علامه قزوینی در تاریخ جهانگشای تصحیح‌اشان بسنده می‌کنند و به نقل از او، رخداد این واقعه را سال ۶۳۲ ه.ق عنوان کرده‌اند.

اگرچه تاریخ ذکر شده توسط علامه قزوینی صحیح می‌باشد، اما نقدی بر کار آنها وارد است. هنگامیکه آنان با وجود اطلاع از تاریخ نقل شده توسط علامه جای سال حدوث واقعه را خالی می‌گذارند، برای عملشان دلیلی جز شک و تردید نمی‌توان قایل بود. در حالیکه اگر دکتر عباسی و مهرکی به جستجو در کتب معروف تاریخ این دوره می‌پرداختند، می‌توانستند با برهان

بیشتری بر تاریخ عنوان شده صحه گذارند؛ زیرا در کتاب های امپراطوری مغول "مری هال"، جامع التواریخ " خواجه رشید الدین فضل الله همدانی " چنگیز خان " هارتوک " تاریخ تشکیل قوریلتهای دوم اوکتای به سال ۶۳۲ ه.ق آمده است.

این مطلب از این بابت عنوان شد تا نمونه ای برای دلیل آشفتهگی های سال های حدوث حوادث در دوره ی مغول باشد و به سبب اهمیت ندادن به این مقوله و عدم اصلاح نویسندگان کتابهای تاریخ مغول، هنوز شاهد اشتباهات فاحش مولفان این آثار هستیم. گاهی مورخان به بیان مدت زمان رخداد یک واقعه به روشنی اشاره می کنند. پس اگر وقایع به صورت زنجیره ای و سلسله وار دنبال شوند می توان به تاریخی مطمئن دست یافت. البته این نابسامانی تنها منحصر به آثار مورخان ایرانی نیست و تاریخ نویسان خارجی هم از این قاعده مستثنی نیستند. در این قسمت با بررسی یازده کتاب تاریخی و ترسیم جدول زمانی به تبیین اختلافات تاریخی پرداخته می شود. در پایان به اشتباهات تواریخ نقل شده اشاره می گردد و سال های صحیح رخداد وقایع مشخص میگردند. سال های ذکر شده در جدول زمانی بر مبنای سال هجری قمری می باشد.

جدول ۱: اشتباهات تواریخ و سال های صحیح رخداد وقایع

عناوین وقایع	تاریخ جهانگشا	چنگیز خان	تاریخ ایران و مغول	جامع التواریخ
تولد چنگیز	ندارد	۵۵۹	۵۵۷	۵۴۹
نبرد چنگیز با اونگ خان	۵۹۹	۶۰۰	۶۰۰	بهار ۵۹۹
نبرد چنگیز با تایانگ خان	ندارد	۶۰۱	۶۰۵	۶۰۰
تشکیل قوریلتهای خانی چنگیز خان	ندارد	۶۰۳	۶۰۳	۶۰۲
نبرد چنگیز با آلتان خان	ندارد	ندارد	ندارد	۶۰۹
انقیاد ایدی قوت حاکم اویغوریان	ندارد	۶۰۶	۶۰۶	۶۰۵
نبیرد سلطان محمد با کوچلک بر علیه گورخان	ندارد	ندارد	۶۰۸	ندارد
کشته شدن کوچلک بدست مغولان	ندارد	ندارد	۶۱۵	ندارد
اولین نبرد سلطان محمد با توشی	ندارد	۶۱۵	۶۱۳	ندارد
حمله ی چنگیز به ایران	۶۱۵	۶۱۶	۶۱۵	۶۱۶
رسیدن به اترار و استخلاص آن	۶۱۵	۶۱۶	۶۱۵	ندارد
استخلاص بخارا	محرم ۶۱۷	۶۱۷	ذی الحجه ۶۱۶	۶۱۷
استخلاص سمرقند	ربیع الاول ۶۱۸	۶۱۷	محرم ۶۱۷	۶۱۷
استخلاص خوارزم	ندارد	۶۱۸	صفر ۶۱۸	ندارد
استخلاص جند	۶۱۶	۶۱۷	ندارد	ندارد
اسخلاص خجند و وفناکت	ندارد	۶۱۷	ندارد	ندارد
تعقیب خوارزمشاه توسط یمه و سبتای	۶۱۷	ندارد	ربیع الاول ۶۱۷	۶۱۷
استخلاص نخشب و ترمذ	۶۱۷	۶۱۷	پاییز ۶۱۷	۶۱۷
استخلاص بلخ	ندارد	ندارد	نیمه دوم زمستان ۶۱۸	۶۱۷
استخلاص مرو	غره محرم ۶۱۸	۶۱۸	۶۱۸	۶۱۸
استخلاص نیشابور	دوازده صفر ۶۱۸	۶۱۸	دوازده صفر ۶۱۸	۶۱۸
استخلاص طالقان	ندارد	ندارد	۶۱۹	۶۱۹

۶۱۹	۶۱۹	ندارد	۶۱۸	استخلاص بامیان
۶۱۹	هشتم شوال ۶۱۸	۶۱۸	۶۱۸	نبرد چنگیز با سلطان جلال الدین
۶۲۲	۶۲۲	۶۲۲	ندارد	بازگشت چنگیز خان به مغولستان
۶۲۲	۶۲۳	ندارد	ندارد	نبرد چنگیز با تنگوت ها
۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	چهارم رمضان ۶۲۴	مرگ چنگیز خان
۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	چهارم رمضان ۶۲۴	مرگ چنگیز خان
۶۲۶	۶۲۷	۶۲۶	۶۲۶	بر تخت نشستن اوکتای
۶۲۷	ندارد	ندارد	ندارد	حرکت به خنای در زمان اوکتای
۶۳۲	ندارد	۶۳۲	ندارد	ذکر قوریلتهای دوم اوکتای
۶۳۸	۶۴۰-۶۳۹	۶۳۹	ندارد	ذکر استخلاص آروس، روس، بلغار و کاشغر
۶۳۹	پنجم جمادی الثانی ۶۳۹	ندارد	ندارد	مرگ اوکتای قاآن
۶۴۳	۶۳۳-۶۳۴	۶۴۳	ندارد	بر تخت نشستن گیوک خان
۶۴۸	نهم ربیع الآخر ۶۴۹	ندارد	ندارد	جلوس منکوقاآن
۶۵۵	۶۵۷	ندارد	ندارد	مرگ منگو قاآن

عناوین وقایع	حبیب السیر	روضه الصفا	تاریخ مغول	تاریخ بناکتی
تولد چنگیز	۵۴۹	ندارد	۵۴۹	۵۴۹
نبرد چنگیز با اونک خان	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نبرد چنگیز با تایانگ خان	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	ندارد
تشکیل قوریلتهای خانی چنگیز خان	۶۰۲	ندارد	ندارد	ندارد
نبرد چنگیز با آلتان خان	۶۰۱	ندارد	ندارد	ندارد
انقیاد ایدی قوت حاکم اویغوریان	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نبرد سلطان محمد با کوچلک برعلیه گورخان	ندارد	ندارد	۶۰۷	ندارد
کشته شدن کوچلک بدست مغولان	ندارد	ندارد	۶۱۵	ندارد
اولین نبرد سلطان محمد با توشی	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
حمله ی چنگیز به ایران	۶۱۵	ندارد	۶۱۶	۶۱۵
رسیدن به اترار و استخلاص آن	۶۱۶	ندارد	۶۱۶	ندارد
استخلاص بخارا	محرم ۶۱۷	اوایل محرم ۶۱۷	۶۱۶	ندارد
استخلاص سمرقند	ذی الحجه ۶۱۷	ربیع الاول ۶۱۷	۶۱۷	۶۱۸
استخلاص جند	چهارم صفر ۶۱۷	ندارد	صفر ۶۱۷	ندارد
استخلاص خجند و فناکت	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
تعقیب خوارزمشاه توسط یمه و سبتای	۶۱۷	ندارد	ندارد	ندارد

ندارد	۶۱۷	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص نخشب و ترمذ
۶۱۸	۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص بلخ
ندارد	۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص مرو
ندارد	۶۱۸	ندارد	ندارد	۶۱۸	استخلاص نیشابور
۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	۶۱۹	استخلاص طالقان
۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	۶۱۹	استخلاص بامیان
۶۱۸	هشتم شوال ۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	نبرد چنگیز با سلطان جلال الدین
۶۲۱	ندارد	ذی الحجه ۶۲۰	۶۲۱	۶۲۱	بازگشت چنگیزخان به مغولستان
ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	نبرد چنگیز با تنگوت ها
۶۲۴	رمضان ۶۲۴	رمضان ۶۲۴	چهارم رمضان ۶۲۴	۶۲۴	مرگ چنگیزخان
۶۲۶	۶۲۶	غیرمستقیم ۶۲۶	۶۲۶	۶۲۶	بر تخت نشستن اوکتای
ندارد	ندارد	ندارد	۶۲۷	۶۲۷	حرکت به ختای در زمان اوکتای
ندارد	ندارد	ندارد	جمادی الاول ۶۳۱	ندارد	استخلاص کامل ختای در زمان اوکتای
ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ذکر قوریلتهای دوم اوکتای
ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ذکر استخلاص آروس، روس، بلغارو کاشغر
۶۳۹	۶۳۹	۶۳۹	۶۳۹	۶۳۹	مرگ اوکتای قآن
۶۴۳	۶۴۴	ندارد	۶۴۳	۶۴۳	برت تخت نشستن گیوک خان
ندارد	۶۴۷	ندارد	ندارد	ندارد	مرگ گیوک خان
ندارد	۶۴۸	۶۴۸	۶۴۸	۶۴۸	جلوس منکوقاآن
ندارد	۶۵۷	۶۵۵	۶۵۵	۶۵۵	مرگ منکوقاآن

عناوین وقایع	تاریخ ایران	امپراطوری مغول	فتوحات مغول	تواریخ صحیح
تولد چنگیز	ندارد	۵۶۴	ندارد	۵۴۹
نبرد چنگیز با اونک خان	ندارد	ندارد	۶۰۰	۵۹۹
نبرد چنگیز با تایانگ خان	ندارد	۶۰۱	۶۰۱	۶۰۰
تشکیل قوریلتهای خانی چنگیز خان	ندارد	۶۰۳	۶۰۳	۶۰۳
نبرد چنگیز با آلتان خان	ندارد	ندارد	ندارد	۶۰۴
انقیاد ایدی قوت حاکم اویغوریان	ندارد	۶۰۶	ندارد	۶۰۶
نبرد سلطان محمد با	ندارد	ندارد	ندارد	۶۰۸

					کوچک برعلیه گورخان
۶۱۵	۶۱۵	ندارد	ندارد	ندارد	کشته شدن کوچک بدست مغولان
۶۱۳	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	اولین نبرد سلطان محمد با توشی
اواخر ۶۱۵	۶۱۶	۶۱۵	۶۱۶	۶۱۶	حمله ی چنگیز به ایران
۶۱۶	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	رسیدن به اترار و استخلاص آن
۶۱۷	۶۱۷	۶۱۷	۶۱۷	۶۱۷	استخلاص بخارا
۶۱۷	۶۱۷	۶۱۷	۶۱۷	ندارد	استخلاص سمرقند
۶۱۸	۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص خوارزم
۶۱۷	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص جند
۶۱۷	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص خجند و فناکت
۶۱۷	ندارد	ندارد	۶۱۷	۶۱۷	تعقیب خوارزمشاه توسط یمه و سبتای
۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص نخشب و ترمذ
۶۱۸	۶۱۸	ندارد	۶۱۸	۶۱۸	استخلاص مرو
۶۱۹	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص طالقان
۶۱۹	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	استخلاص بامیان
۶۱۸	۶۱۸	ندارد	ندارد	ندارد	نبرد چنگیز خان با سلطان جلال الدین
۶۲۲	۶۲۲	۶۲۲	۶۲۲	۶۲۲	بازگشت چنگیز خان به مغولستان
۶۲۳	۶۲۳	۶۲۳	۶۲۳	ندارد	نبرد چنگیز با تنگوت ها
۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	۶۲۴	مرگ چنگیز خان
۶۲۶	ندارد	۶۲۶	۶۲۶	ندارد	برتخت نشستن اوکتای
۶۲۷	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	حرکت به ختای در زمان اوکتای
۶۳۱	ندارد	۶۳۱	ندارد	ندارد	استخلاص کامل ختای در زمان اوکتای
۶۳۲	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ذکر استخلاص آروس

					روس بلغار و کاشغر
۶۳۲	ندارد	۶۳۲	ندارد	ندارد	ذکر قوریلتهای دوم اوکتای
۶۳۹	ندارد	۶۳۸	ندارد	ندارد	مرگ اوکتای
۶۴۳	ندارد	ندارد	ندارد	۶۴۴	بر تخت نشستن گیوک خان
۶۴۵	ندارد	ندارد	ندارد	۶۴۷	مرگ گیوک خان
۶۴۸	ندارد	ندارد	ندارد	۶۴۸	جلوس منکوقاآن
۶۵۵	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	مرگ منکوقاآن

تاریخ های اشتباه ذکر شده در کتب تاریخی دوره ی مغول

- ۱- در تاریخ جهانگشای جوینی سال استخلاص سمرقند، ربیع الاول سال ۶۱۸ ه.ق عنوان شده است که این تاریخ غلط می باشد؛ زیرا استخلاص سمرقند در سال ۶۱۷ ه.ق بوده است
- ۲- تاریخ مرگ گیوک خان در کتاب تاریخ مغول عباس اقبالی آشتیانی به سال ۶۴۷ ه.ق عنوان شده است در حالیکه گیوک در سال ۶۴۳-۴۴ به قدرت رسید و یکسال و اندی بعد وفات یافت و سال صحیح مرگ وی ۶۴۵ ه.ق می باشد.
- ۳- عباس اقبالی آشتیانی در کتاب تاریخ مغول، تاریخ مرگ منکوقاآن را به سال ۶۵۷ میدانند که این تاریخ نادرست است؛ زیرا منکوقاآن در سال ۶۴۸ ه.ق به قدرت رسید و پس از هفت سال حکومت داری وفات یافت؛ بنابراین سال مرگ او ۶۵۵ ه.ق می باشد.
- ۴- تاریخ مرگ منکوقاآن در کتاب روضه الصفا سال ۶۶۵ ه.ق که این تاریخ نادرست می باشد زیرا چنانچه اشاره شد سال وفات او ۶۵۵ ه.ق می باشد.
- ۵- سال استخلاص سمرقند در کتاب تاریخ بناکتی ۶۱۸ آمده که نادرست است و فتح سمرقند به سال ۶۱۷ ه.ق بوده است.
- ۶- در کتاب تاریخ ایران "م.بوئل" مرگ گیوک خان سال ۶۴۷ عنوان شده که غلط است. در حالیکه او به سال ۶۴۵ ه.ق وفات یافته است.
- ۷- تاریخ تولد چنگیز خان در کتاب امپراطوری مغول "مری هال" سال ۵۶۴ ه.ق بیان شده که صحیح نمی باشد، زیرا به سال ۶۳۹ ه.ق تولد چنگیز رخ داده است.
- ۹- زمان تشکیل قوریلتهای چنگیز خان سال ۶۰۲ ه.ق عنوان شده که در اصل به سال ۶۰۳ ه.ق می باشد.
- ۱۰- تاریخ اولین نبرد سلطان محمد در کتاب چنگیز خان "هارتوگ" اشتباه است و سال ۶۱۵ ه.ق نمی باشد؛ زیرا این واقعه دوسال پیش از حمله ی مغولان به ایران حادث شده است و تاریخ صحیح، سال ۶۱۳ ه.ق می باشد.
- ۱۱- سال جلوس منکوقاآن در کتاب تاریخ ایران و مغول "ابراهیم تیموری" سال ۶۴۹ ه.ق بیان شده، در حالیکه در سال ۶۴۸ ه.ق رخ داده است
- ۱۲- تاریخ مرگ منکوقاآن در کتاب تاریخ ایران و مغول "ابراهیم تیموری" سال ۶۵۷ ه.ق بیان شده که نادرست است و او به سال ۶۵۵ ه.ق وفات یافته است.
- ۱۳- در کتاب تاریخ ایران و مغول "ابراهیم تیموری" سال بر تخت نشستن اوکتای ۶۲۷ ه.ق عنوان گردیده که در اصل سال ۶۲۶ ه.ق می باشد.
- ۱۴- در کتاب تاریخ ایران و مغول "ابراهیم تیموری" نبرد چنگیز خان با تایانگ خان سال ۶۰۵ ه.ق عنوان گردیده که در اصل واقع به سال ۶۰۴ ه.ق رخ داده است.

- ۱۵- استخلاص بلخ در کتاب جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی "سال ۶۱۷ ه.ق بیان شده در حالیکه سال رخداد آن ۶۱۸ ه.ق می باشد.
- ۱۶- در کتاب جامع التواریخ " خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی " سال نبرد چنگیز خان با سلطان جلال الدین ۶۱۷ ه.ق بیان گردیده که در حقیقت به سال ۶۱۸ ه.ق می باشد.
- ۱۷- در کتاب جامع التواریخ سال نبرد چنگیز خان به غلط ۶۲۲ ه.ق مطرح گردیده در حالیکه سال حدوث آن واقعه ۶۲۳ ه.ق می باشد.
- ۱۸ در کتاب حبیب السیر بازگشت چنگیز خان به مغولستان سال ۶۲۱ ه.ق بیان شده که در حقیقت به سال ۶۲۲ ه.ق بوده است.
- ۱۹- در کتاب روضه الصفا رسیدن چنگیز خان به مغولستان در سال ۶۲۰ ه.ق بیان شده که در واقع به سال ۶۲۲ ه.ق بوده است.
- ۲۰- استخلاص بخارادر کتاب تاریخ مغول " عباس اقبالی آشتیانی " به اشتباه در سال ۶۱۸ ه.ق گفته شده که در واقع به سال ۶۱۷ ه.ق می باشد.
- ۲۱- استخلاص بخارا در کتاب تاریخ مغول " عباس اقبالی آشتیانی " به اشتباه در سال ۶۱۸ ه.ق بیان شده که در واقع به سال ۶۱۷ ه.ق می باشد
- ۲۲- در کتاب تاریخ بناکتی استخلاص طالقان و بامیان در سال ۶۱۸ ه.ق بیان شده که در اصل به سال ۶۱۹ ه.ق بوده است
- ۲۳- بازگشت کامل چنگیزخان به مغولستان در کتاب تاریخ بناکتی به سال ۶۲۱ ه.ق نوشته شده که سال صحیح آن ۶۲۲ ه.ق می باشد.

نتیجه گیری

با حمله ی مغولان به رهبری چنگیز خان به ایران، ابرهای سیاه نابودی بر آسمان تاریخ ایران آشکار گشت و شهرها و ساکنان آنها، ترس و تباهی را به مفهوم واقعی کلمه در یافتند. حوادث مرگباری که حتی مطالعه ی آنها قلب هر انسانی را به درد می آورد. با تسلط مغولان بر ایران، علما و علوم مختلف از آسیب جدی در امان نماندند، پس ادبیات هم که بازتاب کاملی از شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه است دچار رکود و فترت شد. به سبب آنکه قوم خبیث تاتار از احساس و اخلاق هیچ نمی دانستند و خود دارای خط و ادبیات نبودند به این مقوله هیچ توجهی نکردند. آنها فقط به حفظ اتفاقاتی که خود مایه ی ایجاد آن بودند علاقه داشتند. به همین سبب فن تاریخ نویسی در این دوره گسترش فراوانی یافت و بسیاری از نویسندگان این برهه ی زمانی به تالیف کتب تاریخی اهتمام ورزیدند. از میان کتاب های این دوره، تاریخ جهانگشای جوینی از نظر ادبی و تاریخی حائز اهمیت است. چنانچه به کمتر کتابی در این موضوع بر میخوریم که مطلبی از جوینی نقل نکرده باشد. این کتاب علاوه بر شرح کامل حوادث تاریخ چنگیز خانی به ذکر سالشمار وقایع هم پرداخته است؛ اما تمام تواریخ حوادث در این اثر هم بیان نشده است. برای اینکه به تواریخ صحیح دست یابیم، باید به مطالعه ی کتب تاریخی دیگر بپردازیم؛ اما پس از جست و جو در این باب به اختلاف و تناقض هایی پی می بریم. پس با کنکاش عمیق در سیر منطقی حوادث می توانیم تاریخ درست هر واقعه را بیابیم. در این پژوهش با بررسی یازده کتاب در زمینه ی تاریخ مغول و مشاهده ی تناقض های تاریخی، اشتباهات زمانی در کتب ذکر شده بررسی شده است و در نهایت سال شمار صحیح وقایع ارائه گردیده است.

منابع

۱. اسکار پیت، روبر (۱۳۷۸) جامعه شناسی ادبیات. تهران: انتشارات سمت.
۲. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵) تاریخ مغول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. بهار، ملک الشعرا (۱۳۸۱) سبک شناسی، نثر ج ۳. تهران: انتشارات زوار.
۴. براون، ادوارد (۱۳۵۱) تاریخ ادبی ایران، تهران: انتشارات مروارید.
۵. برتولد (۱۳۶۶) ترکمنستان نامه. تهران: انتشارات آگاه.
۶. بناکتی (۱۳۴۸) تاریخ بناکتی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۷. بویل. م (۱۳۷۱) تاریخ ایران، ج ۵. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. تیموری، ابراهیم (۱۳۷۷) ایران و مغول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. جوینی، عطاملک (۱۳۸۵) تاریخ جهانگشا، ج ۱، تصحیح حبیب الله عباسی، ایرج مهرکی. تهران: انتشارات زوار.
۱۰. جوینی، عطاملک (۱۳۲۹) تاریخ جهانگشا، ج ۱، تصحیح علامه قزوینی. تهران: انتشارات بامداد.
۱۱. خواند میر (۱۳۵۳) حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. تهران: انتشارات کتابفروشی خیام.
۱۲. ریپکا، یان (۱۳۶۴) ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گسترده.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳) آشنایی با نقد ادبی. تهران: انتشارات سخن.
۱۴. ساندرز، ج. ج (۱۳۶۳) تاریخ فتوحات مغول، ترجمه الوالقاسم صامت. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۵. شعبانی، رضا (۱۳۸۰) مروری کوتاه بر تاریخ ایران. تهران: انتشارات سخن.
۱۶. شوکینگ، الوین ل (۱۳۷۳) جامعه شناسی ذوق ادبی، ترجمه‌ی فریدون بده‌ای. تهران: انتشارات توس.
۱۷. صفا، ذبیح الله (۱۳۸۲) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، تهران: انتشارات نگاه.
۱۸. میرخواند (۱۳۷۳) روضه الصفا. تهران: انتشارات علمی.
۱۹. وحید، فریدون (۱۳۸۸) جامعه شناسی ادبیات، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. هال، مری (۱۳۸۰) امپراطوری مغول، ترجمه‌ی نادر میر سعیدی. تهران: انتشارات ققنوس.
۲۱. هارتوگ، لئودو (۱۳۸۱) چنگیزخان، ترجمه‌ی صادق نوابفر. مشهد: انتشارات پژوهش توس.
۲۲. همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۷۳) تصحیح محمد روشن، مصطفی موسوی، ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

Reviews on some of the Events in Jahangoshaiejuwayni and Compare it with Other Chronicles

Mokhtar Eebrahimi¹, Pegah Talavari²

1. Assistant Professor of Ahvaz Chamran University, Iran

2. PhD Student of Persian literature Ahvaz Chamran University, Iran

Abstract

Seventh and eighth centuries been the bloodiest days that Iran and Iranian has passed. About how attack Mongol history many historians have written multiple chronicles. The history of Jahangoshaiejuwayni at the time of the Mongol invasion and domination of their written as the most complete and most eloquent among other books known. A part from the reliability of the information in this book, Juwayni to express some of the event of this period of the time has also. Of course the number of all events is not in Jahangosha. This research noted to chronicles is not mentioned in in Jahangosha and then by reading history books of Iranian and foreign historians to examine some historical paradox among the chronicles of the course will pay.

Keywords: Jahangosha, Historical Time Line, Mogul, Historical Contradictions
